

Relationship between Parenting Patterns and Personality Types with Mental Health in Students of Islamic Azad University, Ilam Branch

Leila Kazeminia^{1*} , Fathollah Mohammadian², Jahanshah Mohammad Zadeh³, Rasol Beh Afarin⁴

¹ MA in Clinical Psychology, Psychosocial Injuries Research Center, University of Medical Sciences Ilam, Iran

² PhD in Health Psychology, Psychosocial Injuries Research Center, University of Medical Sciences, Ilam, Iran

³ PhD in General Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University

⁴ Master Student of Epidemiology, University of Medical Sciences Ilam, Iran

* **Corresponding Author:** Leila Kazeminia, Psychosocial Injuries Research Center, University of Medical Sciences Ilam, Iran.
Email: ll.kazemi1397@gmail.com

Abstract

Received: 24.01.2021

Accepted: 08.09.2021

How to Cite this Article:

Kazeminia L, Mohammadian F, Mohammad Zadeh J, beh afarin R. Relationship between Parenting Patterns and Personality Types with Mental Health in Students of Islamic Azad University, Ilam Branch. *Journal of Psychological Injuries*. 2022; 1(1): 20-28. DOI: 10.32592/jpsimedilam.2022.1.1.102

Background and Objective: The aim of this study was to investigate the relationship between parenting patterns and personality factors with mental health in students of Islamic Azad University, Ilam branch.

Materials and Methods: The study is a descriptive study in terms of purpose in the field of applied research and in terms of data collection method. The statistical population of the study included all students of Islamic Azad University, Ilam branch and the statistical sample were estimated 319 students according to the Cochran formula. Diana Bamrind Parenting Styles Questionnaire, Neo Personality Factors, and Goldberg 28-item General Health Standard Questionnaire were used to obtain information. Data were collected using SPSS software and analyzed in two parts: descriptive analysis and correlation

Results: The results showed that there is a significant relationship between assertive and reassuring parenting style and mental health of children ($P < 0.002$, $r = 0.191$), But there was no correlation between easy parenting styles ($P > 0.051$, $r = 0.210$) and authoritarian parenting style ($P = 0.338$, $r = -0.060$) with mental health. The findings also showed that there is a positive and significant relationship between extraversion personality factors ($p < 0.049$, $r = 0.068$), empiricism ($P < 0.006$, $r = 0.172$), flexibility ($P < 0.009$, $r = 0.165$), and parental conscientiousness ($P < 0.001$, $r = 0.306$) with students' mental health, But there was no significant correlation between neurotic personality factor (emotional instability) ($P > 0.054$, $r = 0.133$) and mental health.

Conclusion: Assertive and reassuring parenting style play an important role in children's mental health, so it is suggested that they be considered in educations

Keywords: Mental health, Parenting patterns, Personality factors, Students

رابطه الگوهای فرزندپروری و تیپ های شخصیتی با سلامت روان در دانشجویان دانشگاه آزاد ایلام

لیلا کاظمی نیا^{۱*}، فتح اله محمدیان^۲، جهانشاه محمدزاده^۳، رسول به آفرین^۴

^۱ گروه روان شناسی، مرکز تحقیقات آسیب های روانی- اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

^۲ گروه روان شناسی، مرکز تحقیقات آسیب های روانی- اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

^۳ گروه روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

^۴ گروه اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

* نویسنده مسئول: لیلا کاظمی نیا، مرکز تحقیقات آسیب های روانی- اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران. ایمیل: ll.kazemi1397@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه الگوهای فرزندپروری و تیپ های شخصیتی با سلامت روان در دانشجویان دانشگاه آزاد ایلام انجام گرفت. **تاریخ دریافت مقاله:** ۱۳۹۹/۱۲/۰۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۷

مواد و روش ها: این پژوهش از نظر هدف، در حیطه تحقیقات کاربردی و از نظر شیوه جمع آوری اطلاعات، مطالعه ای توصیفی است. جامعه آماری تحقیق شامل همه دانشجویان دانشگاه آزاد ایلام و نمونه آماری هم بر اساس فرمول کوکران، تعداد ۳۱۹ نفر از دانشجویان برآورد شدند. برای به دست آوردن اطلاعات از پرسش نامه های سبک های فرزندپروری دینا با مریند، عامل های شخصیتی نئو و سلامت روان و نیز استاندارد سلامت عمومی ۲۸ سوالی گلدبرگ استفاده گردید. داده ها پس از جمع آوری، با استفاده از نرم افزار SPSS vol.20 و در دو بخش تحلیل توصیفی و همبستگی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون) تجزیه و تحلیل شدند.

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی همدان محفوظ است.

یافته ها: نتایج به دست آمده نشان داد که میان سبک فرزندپروری قاطع و اطمینان بخش والدین و سلامت روان فرزندان رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/002, r = 0/191$)؛ اما میان سبک های فرزندپروری سهل گیر ($P < 0/051, r = 0/210$) و سبک فرزندپروری مستبد ($P < 0/338, r = 0/060$) با سلامت روان همبستگی مشاهده نشد؛ همچنین یافته ها نشان داد میان عامل های شخصیتی برون گرایی ($P < 0/049, r = 0/068$)، تجربه گرایی ($P < 0/006, r = 0/172$)، انعطاف پذیری ($P < 0/009, r = 0/165$) و وظیفه شناسی والدین ($P < 0/001, r = 0/306$) با سلامت روان دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما میان عامل شخصیتی روان رنجوری (بی ثباتی هیجانی) ($P < 0/054, r = 0/133$) با سلامت روان همبستگی معناداری دیده نشد.

نتیجه گیری: الگوهای فرزندپروری قاطع و اطمینان بخش در سلامت روان فرزندان نقش مهمی دارند؛ بنابراین پیشنهاد می شود که بایستی در آموزش ها مدنظر قرار گیرند.

واژگان کلیدی: الگوهای فرزندپروری، دانشجویان، سلامت روان، عامل های شخصیتی

مقدمه

در طول چند دهه اخیر، به مسئله سلامت روان به عنوان یکی از ابعاد مهم سلامت، توجه ویژه ای شده است (۱). سلامت روانی مجموعه ای از ویژگی هایی است که در برابر حوادث فشارزای زندگی به عنوان سپری محافظ عمل می نماید و کمک می کند که افراد در این موقعیت ها کارکرد بهتری داشته باشند؛ همچنین

حالتی از بهزیستی و توانمندی است که به فرد توانایی لازم برای مقابله با تنش های روزمره زندگی را می دهد (۲). در واقع، سلامت روان جنبه ای از مفهوم کلی سلامت است و بر روش ها و تدابیری متکی است که برای جلوگیری از ابتلا به بیماری های روانی، درمان و توان بخشی آن ها به کار می رود (۳).

شود؛ بنابراین، با توجه به پژوهش‌های محدود انجام‌گرفته در این زمینه، مطالعه حاضر با هدف رابطه میان الگوهای فرزندپروری و تیپ‌های شخصیتی با سلامت روانی در دانشجویان دانشگاه آزاد واحد ایلام انجام شد.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نظر هدف، در حیطه تحقیقات کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری تحقیق شامل همه دانشجویان دانشگاه آزاد ایلام (۱۹۰۶ دانشجو) و نمونه آماری با توجه به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بر اساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن میزان شیوع ۵۰ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۱۹ نفر محاسبه شده است.

پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری (Parenting Style Index)

این پرسش‌نامه ۳۰ ماده دارد که دینا بامریند (۹) آن را طراحی و ساخته است. ۱۰ ماده آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شوند. بوری (Bori) در سال ۱۹۹۱، میزان پایایی این پرسش‌نامه را به روش بازآزمایی انجام داد که ۸۱ درصد برای مؤلفه آزادگذاری، ۸۵ درصد برای متغیر استبدادی و ۹۲ درصد هم برای اقتدار منطقی پدران گزارش کرد. در انستیتو روان‌پزشکی ایران نیز، اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی پرسش‌نامه را ترجمه و اصلاحات لازم را در آن انجام داد. نتایج به‌دست‌آمده بیان داشت که پرسش‌نامه یادشده روایی (اعتبار) صوری دارد. اسفندیاری پایایی بازآزمایی این پرسش‌نامه را برای مؤلفه آزادگذاری ۶۹ درصد، برای استبداد ۷۷ درصد و اقتدار منطقی هم ۷۳ درصد گزارش کرده است (۱۲).

پرسش‌نامه عامل‌های شخصیتی (NEO-FFI: NEO- Five Factor Inventory)

پرسش‌نامه شخصیتی نئو (NEOPI-R) یکی از آزمون‌های شخصیتی است که مک‌کری و کوستا (Mccarry & costa) در سال ۱۹۸۵، با عنوان پرسش‌نامه شخصیتی نئو معرفی کردند. فرم تجدیدنظرشده این پرسش‌نامه را همان مؤلفان با عنوان فرم تجدیدنظرشده پرسش‌نامه شخصیتی نئو ارائه نمودند. فرم بلند این پرسش‌نامه در ۲۴۰ عبارت، برای اندازه‌گیری پنج عامل یا حیطه اصلی روان‌رنجوری، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دلبخیر بودن و مسئولیت‌پذیری طراحی شده است؛ همچنین این پرسش‌نامه فرم دیگری به نام NEO-FFI دارد که یک پرسش‌نامه ۶۰ سؤالی است و برای ارزیابی پنج عامل اصلی

در زندگی امروز، افزایش فشارها و تنش‌ها از یک‌سو و پیچیده‌تر شدن درک رفتارها و انگیزه‌های انسانی از سوی دیگر موجب شده تا شناخت ویژگی‌ها و تیپ‌های شخصیت و چگونگی برانگیخته شدن انسان‌ها در شرایط ناگوار از جمله مباحث مطرح در روان‌شناسی باشد (۴). منظور از تیپ شخصیتی، مجموعه‌ای از الگوهای پایدار فرد در ادراک، شناخت و روابط بین‌فردی و نوعی (۱) سبک قابل پیش‌بینی در طرز تفکر، احساس و رفتار است که از ارتباط نزدیک عوامل زیستی، تجربه‌های آغازین زندگی، روند تکامل شخصی و تأثیرات بین فردی، اجتماعی و فرهنگی پدید می‌آید (۵).

از سوی دیگر، روان‌شناسان رشد از دهه ۱۹۲۰ به بعد علاقه‌مند بودند بدانند که چگونه والدین رشد اجتماعی و شایستگی را در فرزندان خود پرورش می‌دهند. یکی از نیرومندترین رویکردها در این زمینه، مطالعه‌ای با عنوان سبک‌های فرزندپروری است که دارلینگ (Darling) (۱۹۹۹) انجام داده است (۶). شیوه‌های فرزندپروری مجموعه‌ای از نگرش‌های تربیتی والدین نسبت به فرزند خود است که به ایجاد فضای هیجانی منجر می‌شود که در آن، رفتارهای والدین بروز می‌یابد (۷). شیوه‌های فرزندپروری را می‌توان در ابعاد مختلفی توضیح داد؛ مانند پذیرش، محبت، کنترل، مهربانی، گرمی، انعطاف‌پذیر بودن، محدود کردن و پرتوقع بودن (۸).

دینا بامریند (Diana Baumrind) از تحلیل رفتار فرزندان و والدین، سه شیوه تعاملی متمایز الگوی فرزندپروری را شناسایی کرد که در دو جنبه کلی باهم متفاوت بودند؛ این دو جنبه کلی عبارت‌اند از: ۱. والدینی که برای کودکان خود تعیین تکلیف می‌کنند و آنان را به انجام تکالیف وادار می‌سازند؛ ۲. والدینی که نسبت به کودکان گرم و پذیرا هستند. بر اثر این ترکیب دو جنبه کلی، سه شیوه فرزندپروری شکل می‌گیرد که بامریند این سه طبقه مجزا را «مقتدرانه، سهل‌انگار و استبدادی» نامید (۹).

با توجه به آمارهای سازمان جهانی سلامت، ۱۲ درصد بیماری‌های جهانی ناشی از مشکلات سلامت روان هستند (۱۰). امروزه، رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا توجه خاصی به سلامت روان دارد و آن را داشتن یک وضعیت خوب و سالم جسمانی، اجتماعی و روانی می‌داند. بر اساس نتایج تحقیق جیسون و همکاران (Jansen et al)، اگر والدین بسیار سختگیر و دیکتاتور باشند، مانع پیشرفت و توسعه کنجکاوی و خلاقیت کودک می‌شوند. والدینی که اجازه نمی‌دهند فرزند ابراز وجود یا اظهارنظر کند، مانع بروز استعدادهای بالقوه کودک می‌گردند و در نتیجه، این کودکان در آینده افرادی روان‌آزرده و پرخاشگر خواهند شد و سلامت روان آنان را به مخاطره می‌اندازند (۱۱). هرگونه سهل‌انگاری در این زمینه سبب ضربات جبران‌ناپذیری بر روح و روان و سلامت فرزندانشان می

میانگین سنی و انحراف معیار پاسخ‌گویان در مطالعه $31 \pm 26/3$ برآورد شد. از نظر جنسیت، بیشتر دانشجویان زن (۵۱/۷ درصد) و ۴۵/۵ درصد آنان هم مرد بود. از نظر وضعیت تأهل، بیشتر دانشجویان (۶۶/۱ درصد) با بالاترین فراوانی ازدواج نکرده و مجرد بودند. با توجه به میزان تحصیلات، بیشترین میزان مقطع تحصیلی کارشناسی (۵۶/۷ درصد) و کمترین مقطع تحصیلی هم مقطع تحصیلی دکتری (۹ درصد) بود؛ همچنین از نظر رشته تحصیلی، بالاترین میزان رشته تحصیلی دانشجویان مربوط به رشته تحصیلی علوم تجربی (۲۶/۶ درصد)، سپس علوم انسانی (۲۵/۱ درصد)، فنی و مهندسی (۲۱/۹ درصد) و کمترین رشته تحصیلی هم مربوط به رشته تحصیلی کشاورزی (۲/۲ درصد) و علوم پایه (۵/۳ درصد) است. با توجه به محل سکونت، بیشتر دانشجویان (۷۴ درصد) بومی استان بودند. از نظر وضعیت شغلی، بیشتر دانشجویان شغلی نداشتند و بیکار (۵۲/۴ درصد) بودند (جدول شماره ۱).

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد، میان فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش با سلامت روان با ضریب همبستگی ۰/۱۹۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۲، رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ اما میان الگوی فرزندپروری مستبد و سلامت روان با ضریب همبستگی ۰/۰۶۰- و سطح معناداری ۰/۳۳۸، رابطه معناداری وجود ندارد و نیز میان الگوی فرزندپروری سهل‌گیر با سلامت روان دانشجویان با ضریب همبستگی ۰/۲۱۰ و سطح معناداری ۰/۰۵۱، رابطه معنی‌داری وجود ندارد و میان تیپ شخصیتی روان‌رنجوری (بی‌ثباتی هیجانی) با سلامت روان دانشجویان با ضریب همبستگی ۰/۱۳۳ و سطح معناداری ۰/۰۵۴، رابطه مثبت معناداری وجود نداشت؛ همچنین میان تیپ شخصیتی برون‌گرایی والدین با سلامت روان دانشجویان با ضریب همبستگی ۰/۰۶۸ و سطح معناداری ۰/۰۴۹، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. رابطه میان تیپ شخصیتی تجربه‌گرایی و سلامت روان با ضریب همبستگی ۰/۱۷۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۶، مثبت و معنادار است و میان تیپ شخصیتی انعطاف‌پذیری والدین با سلامت روان دانشجویان با ضریب همبستگی ۰/۱۶۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۹، همبستگی مثبت معناداری مشاهده شد. میان تیپ شخصیتی وظیفه‌شناسی والدین با سلامت روان دانشجویان با ضریب همبستگی ۰/۳۰۶ و سطح معناداری ۰/۰۰۰، رابطه معناداری وجود دارد (جدول شماره ۲).

بر اساس جدول شماره ۳، الگوی رگرسیونی برازش می‌شوند و از رگرسیون چندگانه (به شیوه همزمان) استفاده شده است. ضرایب بتای استاندارد شده برای ارزیابی سهم هر یک از متغیرها در الگو اندازه‌ای را ارائه می‌دهد؛ همچنین ضریب همبستگی

شخصیت به‌کار می‌رود. در فرم ۲۴ سؤالی، هر عامل ۶ سطح یا زیرمقیاس دارد، درحالی‌که در فرم کوتاه، هر عامل با ۱۲ سؤال سنجیده می‌شود (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). فرم بلند پرسش‌نامه شخصیتی نئو در کشورهای گوناگون جهان از جمله در ایران اعتباریابی شده است. در ایران، فرم بلند از سوی گروسی، مهریار و طباطبایی (۱۳۸۰) اعتباریابی شد و نتایج شبیه نتایج به‌دست‌آمده در آزمون در کاستا (۱۹۹۲) نشان داد که همبستگی ۵ زیرمقیاس فرم کوتاه با فرم بلند از ۷۷ درصد تا ۹۲ درصد است؛ همچنین همسانی درونی زیرمقیاس‌های آن در دامنه ۶۸ درصد تا ۸۶ درصد برآورده شده است (۱۳).

پرسش‌نامه سلامت روان (Mental Health Questionnaire)

این پرسش‌نامه که گلدبرگ آن را ساخته، فرم ۲۸ سؤالی آن دربرگیرنده چهار خرده‌مقیاس است و نسبت به سایر نسخه‌ها، بیشترین میزان اعتبار، حساسیت و ویژگی را دارد. گلدبرگ و ویلیامز (Goldberg & Williams) (۱۹۸۹)، ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه‌های مختلف را در ۴۳ مطالعه، در کشورهای گوناگون جهان بررسی کردند و نشان دادند نسخه ۲۸ سؤالی میزان اعتبار بیشتر و حساسیت و ویژگی مناسب‌تری دارد. در این نسخه متناسب با تحلیل عواملی که گلدبرگ و هیلر (Goldberg & Hiller) (۱۹۷۹) انجام دادند، ۴ عامل اساسی شامل مقیاس‌های علائم جسمانی، علائم اضطراب و اختلال خواب، اختلال کارکرد اجتماعی و مقیاس افسردگی استخراج گردید. در ایران، مطالعات روان‌سنجی اندکی درباره کیفیت روان‌سنجی و ساختار عاملی این پرسش‌نامه انجام شده است. تقوی ویژگی‌های روان‌سنجی آن را با نمونه ۹۲ نفری دانشجویان دانشگاه شیراز انجام داد. وی با تحلیل، چهار عامل افسردگی، اضطراب، اختلال کارکرد اجتماعی و جسمانی را استخراج کرد که ۵۸ درصد واریانس توسط این چهار عامل تعیین گردید (۱۴).

تجزیه و تحلیل

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار SPSS vol.20 در قالب دو روش توصیفی و همبستگی استفاده شد. بخش توصیفی شامل توصیف ساده متغیرها بود و در بخش تحلیل همبستگی هم جهت سنجش متغیرها و آزمون فرضیات، از روش استنباطی-علی و از آماره و آزمون مناسب با سطح سنجش متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و از رگرسیون (ورود متغیرهای به‌صورت همزمان) استفاده گردید.

یافته‌ها

از کل تعداد نمونه آماری پژوهش که ۳۱۹ نفر بودند،

جدول ۱: توزیع فراوانی نمونه آماری بر اساس برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۴۵
	زن	۱۶۵
	بی‌جواب	۹
وضعیت تأهل	مجرد	۲۱۱
	متأهل	۷۷
	بی‌جواب	۳۱
میزان تحصیلات	کاردانی	۶۴
	کارشناسی	۱۸۱
	کارشناسی ارشد	۵۴
	دکتری	۳
	بی‌جواب	۱۷
سکونت	بومی	۲۳۶
	غیربومی	۴۹
	بی‌جواب	۳۴
رشته تحصیلی	علوم انسانی	۸۰
	علوم تجربی	۸۵
	علوم پایه	۱۷
	فنی و مهندسی	۷۰
	کشاورزی	۷
	بی‌جواب	۶۰
شغل	شاغل بخش دولتی	۹
	شاغل بخش خصوصی	۳۲
	شغل آزاد	۹۳
	بیکار	۱۶۷
	بی‌جواب	۱۸

نتایج تحلیل آزمون مؤلفه‌های الگوی رگرسیونی را نشان می‌دهد که رابطه میان الگوی فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش با سلامت روان دانشجویان مثبت و معنادار بود ($t=2/69$ ، $P<0/008$) و رابطه الگوهای فرزندپروری سهل‌گیر و مستبد با سلامت روان هم معنادار نبودند (جدول شماره ۴).

چندگانه میان متغیر الگوهای فرزندپروری و سلامت روان برابر با ۰/۲۹۳ و ضریب تعیین ۰/۰۸۶، ضریب تعیین تعدیل‌یافته ۰/۰۷۴ و خطای معیار ۱۰/۱۱۳ به‌دست‌آمده است. مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۰/۰۸۶ درصد تغییرات سلامت روان با استفاده از متغیرهای ورودی تبیین می‌شود (جدول شماره ۳).

جدول ۲: ضریب همبستگی رابطه میان الگوی فرزندپروری و تیپ‌های شخصیتی با سلامت روان

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش	۰/۱۹۱**	۰/۰۰۲
فرزندپروری مستبد	-۰/۰۶۰	۰/۳۳۸
فرزندپروری سهل‌گیر	۰/۲۱۰	۰/۰۵۱
تیپ شخصیتی روان‌نژندی	۰/۱۳۳	۰/۰۵۴
تیپ شخصیتی برون‌گرایی	۰/۰۶۸	۰/۰۴۹
تیپ شخصیتی تجربه‌گرایی	۰/۱۷۲**	۰/۰۰۶
تیپ شخصیتی انعطاف‌پذیر	۰/۱۶۵**	۰/۰۰۹
تیپ شخصیتی وظیفه‌شناسی	۰/۳۰۶**	۰/۰۰۰

جدول ۳: برازش رگرسیونی میان الگوهای فرزندپروری و سلامت روان

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	خطای معیار
۱	۰/۲۹۳	۰/۰۸۶	۰/۰۷۴	۱۰/۱۱۳

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون الگوهای فرزندپروری

الگوهای فرزندپروری	ضریب استاندارد شده			t	سطح معناداری
	B	Std.error	Beta		
متغیر (constant)	۴۳/۲۴۶	۶/۸۲۱	-	۶/۳۴۰	۰/۰۰۰
فرزندپروری قاطع و اطمینان بخش	۰/۳۲۷	۰/۱۲۱	۰/۱۹۱	۲/۶۹۳	۰/۰۰۸
فرزندپروری مستبد	۳/۰۰	۰/۱۱۶	۰/۰۱۹	۰/۲۶۱	۰/۷۹۵
فرزندپروری سهل گیر	-۰/۳۲۳	۰/۰۹۱	-۰/۲۲۴	-۳/۵۵۶	۰/۰۷۸

تعدیل یافته ۰/۲۸۰ و خطای معیار ۸/۳۴۰ به دست آمده است. مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۲۹ درصد تغییرات سلامت روان دانشجویان مربوط به تیپ‌های شخصیتی والدین است و این متغیر توانسته ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند (جدول شماره ۵).

از الگوی رگرسیون چندگانه (به شیوه همزمان) برای تحلیل رگرسیونی استفاده شد. ضرایب بتای استاندارد شده برای ارزیابی سهم هریک از متغیرها در الگو اندازه‌ای را ارائه می‌دهد؛ همچنین ضریب همبستگی چندگانه میان متغیر تیپ‌های شخصیتی و سلامت روان برابر با ۰/۵۴۶، ضریب تعیین ۰/۲۹۸، ضریب تعیین

جدول ۵: برازش رگرسیونی میان عامل‌های شخصیتی و سلامت روان

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	خطای معیار
۱	۰/۵۴۶	۰/۲۹۸	۰/۲۸۰	۸/۳۴۰

نتایج تحلیل آزمون مؤلفه‌های الگوی رگرسیونی را نشان می‌دهد. جدول بالا نشان می‌دهد که میان تیپ‌های شخصیتی برون‌گرایی (P<۰/۰۱، t=۲/۵۹)، تیپ شخصیتی تجربه‌گرایی (P<۰/۰۱، t=۵/۰۲)، تیپ شخصیتی انعطاف‌پذیری (P<۰/۰۱، t=۳/۹۹) و تیپ شخصیتی وظیفه‌شناسی (P<۰/۰۱، t=۵/۹۹) با سلامت روان رابطه معناداری وجود دارد. از سویی، رابطه میان تیپ شخصیتی روان‌نژندی با سلامت روان معنادار نبوده است (جدول شماره ۶).

نتایج تحلیل آزمون مؤلفه‌های الگوی رگرسیونی را نشان می‌دهد. جدول بالا نشان می‌دهد که میان تیپ‌های شخصیتی برون‌گرایی (P<۰/۰۱، t=۲/۵۹)، تیپ شخصیتی تجربه‌گرایی (P<۰/۰۱، t=۵/۰۲)، تیپ شخصیتی انعطاف‌پذیری (P<۰/۰۱، t=۳/۹۹) و تیپ شخصیتی وظیفه‌شناسی (P<۰/۰۱، t=۵/۹۹) با سلامت روان رابطه معناداری وجود دارد. از سویی، رابطه میان تیپ شخصیتی روان‌نژندی با سلامت روان معنادار نبوده است (جدول شماره ۶).

جدول ۶: نتایج تحلیل رگرسیون عامل‌های شخصیتی

بنج عاملی شخصیت	ضریب استاندارد شده			t	سطح معناداری
	B	Std.error	Beta		
متغیر (constant)	۵۴/۱۵۱	۴/۶۲۱	-	۱۱/۷۱۸	۰/۰۰۰
عامل شخصیتی روان‌نژندی	۷/۹	۱/۴۸	۰/۴۱	۵۳۲	۰/۵۹۵
عامل شخصیتی برون‌گرایی	۳/۰۹	۱/۲۰	۰/۱۶۸	۲/۵۸۸	۰/۰۱۰
عامل شخصیتی تجربه‌گرایی	۰/۶۷۷	۱/۳۵	۰/۳۲۹	۵/۰۲۴	۰/۰۰۰
عامل شخصیتی انعطاف‌پذیری	-۰/۵۹۹	۱/۵۰	-۰/۲۵۸	-۳/۹۹۸	۰/۰۰۰
عامل شخصیتی وظیفه‌شناسی	۹۸۸	۱۶۵	-۰/۴۴۸	-۵/۹۹۹	۰/۰۰۰

بحث

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه الگوهای فرزندپروری و تیپ‌های شخصیتی با سلامت روان در دانشجویان دانشگاه آزاد ایلام انجام گرفت. نتایج نشان داد که میان فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش با سلامت روان رابطه مثبت معناداری وجود دارد

که این یافته با نتایج پژوهش‌های ابوطالبی احمدی (۱۵) و سز و اسودانی (Seth & Asudani) (۱۵) همخوانی دارد. بر اساس نتایج این تحقیق، شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی، سبب افزایش عزت‌نفس نوجوانان می‌شود. از سوی دیگر، هنگامی که والدین در

در فرزندانشان دارد و چنین افرادی از نظر بیماری های روحی و روانی بیشتر در مخاطره هستند و ممکن است سلامت روانشان به مخاطره افتد.

تحلیل آماری این تحقیق نشان داد، رابطه معناداری میان تیپ شخصیتی برون گرایی والدین با سلامت روان دانشجویان وجود دارد که با نتایج سچوفیلد و همکاران (Sechoffield & etal) (۲۱) همخوان است. برای تحلیل این ویژگی می توان گفت که والدینی که شخصیت برون گرا دارند، معمولاً از نظر هوش هیجانی نظیر محبت، جمع گرایی، قاطعیت، فعال بودن، هیجان خواهی و هیجانان، مثبت هستند و ارتباطات دوستانه تری با دیگران دارند و به شدت اجتماعی اند و ویژگی های شخصیتی بسیار مثبتی دارند؛ بنابراین، وقتی که والدینی دارای چنین خصائل اخلاقی و روحی باشند، در نوع رابطه ای که با فرزندان خود دارند، هم موفق هستند و ویژگی شخصیتی آنان هم در رفتار فرزندانشان تأثیر بسزایی دارد و سالم ترند (۲۱)؛ اما در پژوهش احمدی، نجاتی و عبدی (۲۲) و گرانت و لاگان (Grant, S., Langan-fox) (۲۳)، خرده مقیاس برون گرایی با سلامت عمومی همبستگی منفی دارد که با نتیجه تحقیق ناهمخوان است.

نتایج پژوهش نشان داد میان گشودگی نسبت به تجربه با سلامت عمومی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد که با پژوهش احمدی و همکاران (۲۲) ناهمخوان است؛ زیرا هنگامی که والدین افرادی جستجوگر و در جستجوی تجربه های تازه باشند، افراد اجتماعی تری هستند، طبعاً نوع دیدگاه آنان به دنیای اطراف و حتی در ارتباط با فرزندانشان مثبت تر است و در روش های تربیتی خود و نوع رابطه با فرزند هم موفق تر عمل می کنند و فرزندان هم از آنجاکه از والدین خود تأثیر می پذیرند، رفتارهای والدین و نوع سبک اخلاقی آنان را می بینند و در آنان هم درونی می شود و می توان گفت چنین والدینی در تربیت فرزندان هم موفق هستند و فرزندان خوب و سالم بزرگ می کنند که حتی اگر در مراحل زندگی خود با مسائل و مشکلاتی روبرو شوند، به راحتی از پای نمی افتند و از سلامت روانی بالاتری برخوردار خواهند شد.

بر اساس نتیجه به دست آمده از این پژوهش، میان تیپ شخصیتی انعطاف پذیری والدین با سلامت روان دانشجویان همبستگی معناداری مشاهده گردید که با نتایج دستجردی و همکاران (۲۴) و کمپل (Campbell, Cohan,stein) (۲۵) همخوانی دارد. والدین انعطاف پذیر از نظر ویژگی های فردی، سازگار و اساساً نوع دوست هستند و با دیگران احساس همدردی می کنند و مشتاق کمک به آنان اند و اصولاً فرزندان چنین والدینی از نظر روانی سالم ترند؛ زیرا هر آنچه برای داشتن یک

نوع تربیت و تعاملات خود با فرزندانشان قاطع و اطمینان بخش باشند، این وضعیت باعث نوعی دلبستگی و علاقه میان والدین و فرزندان می گردد و فرزندان خود را در حریم امن خانه و در کنار والدینی خوب که در نوع رفتار و ارتباط با فرزند خود بسیار محتاط هستند، احساس آرامش می کنند و احساس خرسندی در آنان ایجاد می شود و میان آنان با والدینشان علاقه و صمیمیت حکم فرما می گردد و از نظر روانی هم انسان های سالم تر و سرزنده تری هستند و سلامت روان آنان هم به مخاطره نمی افتند. نتایج این پژوهش نشان داد میان الگوی فرزندپروری مستبد و سلامت روان رابطه و همبستگی معناداری وجود ندارد. در تبیین این فرضیه باید گفت، هنگامی که رابطه میان والدین چندان صمیمانه نباشد و نوعی فضای مستبدانه حاکم گردد که در آن، تنها خود والدین تصمیم گیرنده هستند و حتی در مسائل شخصی فرزندان هم دخالت می کنند و به فرزندان خود چندان آزادی عمل نمی دهند و به طور کلی، در آن میان والدین و فرزندان صمیمیت وجود نداشته باشد، مطمئناً از نظر عاطفی از یکدیگر فاصله خواهند گرفت و خواه ناخواه وضعیت روحی و خلق فرزندان تحت تأثیر نوع رفتار والدین قرار می گیرد و اگر به صورت مداوم ادامه داشته باشد، زمینه را برای شکل گیری وضعیت روحی آشفته مهیا می سازد و در درازمدت بیماری های روانی ایجاد خواهد کرد و سلامت روان آنان به مخاطره خواهد افتاد که با نتایج سز و اسودانی (۱۶) و ساکامتو و همکاران (Sakamoto & etal) (۱۷) همخوان است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که میان الگوی فرزندپروری سهل گیر با سلامت روان دانشجویان رابطه معناداری وجود ندارد. این یافته با پژوهشی از بلقان آبادی و همکارانش (۱۸) و اویسرم و همکاران (Oyserman) (۱۹) همخوان است.

در نتیجه به دست آمده از فرضیه دیگر، میان تیپ شخصیتی روان رنجوری (بی ثباتی هیجانی) با سلامت روان دانشجویان رابطه معناداری وجود نداشت که با نتایج شارما و همکاران (Sharma & etal) (۲۰) همخوانی دارد. شخصیت و نوع خلق و خو و رفتار والدین، به ویژه در سنین پایین تر که فرزندان در حال رشد هستند و در این مرحله به تناسب نوع محیطی که در آن قرار دارند و افرادی که با آنان در ارتباط هستند، خصوصاً والدین که نزدیک ترین و اولین افرادی هستند که فرد زندگی را با آنان آغاز می کند، در رفتار فرزندان تأثیر بسزایی دارد و در مراحل بعدی رشد وی هم بی تأثیر نیست. حال اگر والدین از نظر شخصیتی، افرادی با ویژگی های هیجانی منفی و بی ثبات باشند، قطعاً نمی توان انتظار داشت که فرزندانشان از این وضعیت متأثر نشوند و افرادی سالم تحویل اجتماع دهند، بلکه رفتار آنان تأثیر بسزایی

فرزندان نقش مهمی دارند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که بایستی در آموزش‌ها مدنظر قرار گیرند.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از زحمات اساتید گرانقدر آقایان دکتر فتح‌اله محمدیان، دکتر وحید احمدی و دکتر شهرام مامی و همچنین همه دانشجویان عزیزی که صبورانه در به نتیجه رساندن این تحقیق یاریگرمان بوده اند صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نمایم.

تضاد منافع

هیچگونه تعارض منافی در بین نویسندگان وجود ندارد.

ملاحظات اخلاقی

این مطالعه در شورای پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام به تصویب رسیده است.

سهم نویسندگان

لیلا کازمی نیا نسخه اولیه مقاله را تهیه و در مراحل سابمیت، اصلاحات داوران و تایید نهایی و همچنین جمع‌آوری و وارد کردن داده‌ها در نرم‌افزار آماری مشارکت داشته است. فتح‌اله محمدیان در تفسیر نتایج و پاسخ به داوران نقش ایفا کرده است، رسول به‌آفرین در انجام اصلاحات داوران و ویرایش نهایی نقش داشته است، جهان‌شاه محمدزاده در تحلیل داده‌ها و ویرایش نسخه نهایی مشارکت کرده اند.

حمایت مالی

هیچگونه حمایت مالی در انجام این پژوهش از شخص یا سازمان خاصی دریافت نشده است.

REFERENCES

1. Akbarpoor zanghalani MB, khodayari shouti S, Malekzadeh A. The Relationship between Mental Health and Achievement Motivation among the Students of Tabriz University of Medical Sciences. *Development Strategies in Medical Education*. 2016;3(2):14-24.
2. Safaei Rad I, Lavasani M, Gholamali A. The Relationship between Mental Characteristic Characteristics of Mental Health and the Creativity of Girl's Children. *Women Studies*. 2018;9(23):101-22.
3. Tehrani H, Shojayizade D, Hoseiny SM, Alizadegan Sh. Relationship between Mental Health, personality Trait and Life Events in Nurses Working in Tehran Emergency Medical Service (Tehran 115). *Iran Journal of Nursing*. 2012;25(75):52-9.
4. Riolli L, Savicki, V., & Cepani, A. Resilience in the face of catastrophe: Optimism, personality and coping in the Kosovo crisis. *Resilience in the face of catastrophe: Optimism, personality and coping in the Kosovo crisis*. 2002;8(32):23.
5. Etemadi M, Aghebati A, Ayatmehr F, Ashoori A. Predicting Borderline Personality Traits in Adolescents Based on Parenting Styles and Emotion Regulation Strategies. *Practice in Clinical Psychology*. 2020;8(2):133-42.
6. Gholamali Lavasani M, Borhanzadeh S, Afzali L, Hejazi E. The relationship between perceived parenting styles, social support with psychological well-being *Procedia Social and Behavioral Sciences*. 2011;15:4.
7. Aslani K, Derikvandi N, Dehghani Y. Relationship between parenting styles, religiosity, and emotional intelligence with addiction potential in high schools students. *Journal of Fundamentals of Mental Health*. 2015.
8. Sahraee S. Effect of neurofeedback training on consumption temptation, depression and anxiety of smokers. *Iranian journal of educational Sociology*. 2016;1(1):10.
9. Baumrind DJTjoea. The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. 1991;11(1):56-95.
10. M S, SN K, A Y. Personality factors as correlates of Health

رابطه مفید و سازنده نیاز است که شخصیت و رفتار یک فرد را کنترل و درونی کند، در چنین والدینی وجود دارد و از آنجاکه این والدین حتی در ارتباط با دیگران بسیار محتاط هستند، در ارتباط با فرزندانشان هم موفق عمل می‌کنند و خانواده سالم‌تری دارند. در آخرین فرضیه، نتایج تحقیق نشان داد میان تیپ شخصیتی وظیفه‌شناسی والدین با سلامت روان دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. نتایج با پژوهش شکری و همکاران (۲۶) و یاداوا (Yadava) (۲۰) همخوان است؛ بنابراین، هنگامی که والدین از نظر شخصیتی، افرادی باوجدان و وظیفه‌شناس باشند، درک بالایی دارند و در رویارویی با مسائل زندگی محتاطانه عمل می‌کنند و از نظر اخلاقی هم افراد متعهدی هستند و برای رسیدن به اهداف خود تلاش می‌کنند؛ پس افراد سالمی هستند و در ارتباط با فرزندان هم اصول تربیتی درست را رعایت می‌نمایند و فرزندان سالم‌تری دارند.

روشی که والدین به‌عنوان الگوی تربیتی و رفتاری خود به‌کار می‌برند که بر اساس آن فرزند خود را پرورش دهند، به نوع ویژگی‌های رفتاری و تیپ شخصیتی آنان بستگی دارد. والدین هرگونه رفتاری را در پرورش فرزند خود به‌کار ببرند، مطمئناً انعکاس آن را در رفتار فرزندشان می‌بینند. هرگونه سهل‌انگاری در این زمینه سبب ضربات جبران‌ناپذیری بر روح و روان و سلامت فرزندانشان می‌شود؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران در تحقیقات آتی، مطالعات گسترده‌تری درباره علائم روان‌پزشکی، ویژگی‌های شخصیتی والدین و سلامت روان دانشجویان انجام دهند و با بهره‌گیری از روش‌های علمی و منطقی، به ارائه راهکارهای گوناگون در زمینه این موضوع بپردازند.

نتیجه‌گیری

الگوهای فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش در سلامت روان

- mong Adults. Journal of the Indian Academy of Applied Psychology. 2010;36(2): 328-33.
11. Jansen PW, Giallo R, Westrupp EM, Wake M, Nicholson JMJP. Bidirectional associations between mothers' and fathers' parenting consistency and child BMI. 2013; 132(6):e1513-e20.
 12. Piri, Zahra. Investigating the Relationship between Parents' Parenting Styles and Children's Perfectionism among Students of Payame Noor University of Ilam. BSc Thesis in Educational Sciences. 2016.
 13. Malekhatai, Mahsa. Investigating the Relationship between Personality Traits and Its Role on University Socialization among Students of Ilam Universities. Bachelor Thesis Payame Noor University of Ilam. 2016.
 14. Mirahmadi, Elham. Investigating the Relationship between Attachment Styles and Mental Health of High School Students in Mehran. BSc Thesis Payame Noor University of Mehran. 2015.
 15. Aboutalebi, Ahmadi. Taqi. The Relationship between Parenting Style and Self-Esteem with Students Mental Health. Family and Research Quarterly. 2016;16.
 16. Seth M, Asudani VJSRJ. Parenting styles and their impact on educational performance of children at high Scholl level: review of literature. 2013;3(7).
 17. Uji M, Sakamoto A, Adachi K, Kitamura TJJoC, Studies F. The impact of authoritative, authoritarian, and permissive parenting styles on children's later mental health in Japan: Focusing on parent and child gender. 2014;23(2):293-302.
 18. Mustafa B, Mustafa; C, Saeed AM, Oladi Z, Shamloo JN. Investigating the Relationship between Parents' Parenting Styles and Their Children's Mental Disorders. International Conference on Child and Adolescent Psychiatry. 2010.
 19. Oyserman D, Bybee D, Mowbray CJJoa. Influences of maternal mental illness on psychological outcomes for adolescent children. 2002;25(6):587-602.
 20. Sharma NR, Sahrma A, Yadava AJJHP. Study of general mental health in relation to personality. 2006;1(1):67-75.
 21. Schofield MJ, O'halloran P, McLean SA, Forrester-Knauss C, Paxton SJJAP. Depressive symptoms among australian university students: who is at risk? 2016;51(2):135-44.
 22. Ahmadi K, Nejati V, Abdi MR. Comparison of General Health in Adolescent Boys and Girls and its Relationship with Personality Characteristics %J Journal of Guilan University of Medical Sciences. 2012;21(81):29-36.
 23. Grant S, Langan-Fox JJJoohp. Personality and the occupational stressor-strain relationship: the role of the Big Five. 2007;12(1):20.
 24. Dastjerdi R, Farzad V, Kadivar PJJJoBUoMS. The role of five big personality factors in predicting psychological well-being. 2011;18(2):126-33.
 25. Campbell-Sills L, Cohan SL, Stein MJBBr, therapy. Relationship of resilience to personality, coping, and psychiatric symptoms in young adults. 2006;44(4):585-99.
 26. Shokri O, Moradi A, Farzad Ve, Sangari A, Ghanai Z, Rezaei A. The Role of Personality Traits and Coping Styles on University Student's Mental Health: Introducing Causal Models %J Advances in Cognitive Sciences. 2005;7(1):28-38.